



سارا رنگینان

«نگارنده این سطور، حسین ملک، فرزند حاج محمدکاظم ملک التجار و جدم مرحوم‌میرور آقامهدی ملکالتجار تبریزی است. از پدرم دو فرزند ذ‌کور باقی‌ماند که یکی نویسنده و دیگری برادرم مرحوم محمدعلی است که به لحاظ توافقی به اسم نویسنده، حاج حسن ملک نامیده می‌شد...»

این بخش ابتدایی زندگی نامه خودنوشت حاج حسین ملک، بزرگ‌ترین واقف مشهد است که در جریان انتقال مجموعه اسناد حاج حسین آقا ملک، موقوفات، کتابخانه و موزه ملی ملک، در سال ۱۳۷۸ خورشیدی، از تهران به سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی شناسایی شده است. در این‌جابه‌جایی ۲۹ هزار برگ سند شناسایی، فهرست‌برداری و منتقل شد. زندگی‌نامه خودنوشت حاج حسین ملک هم از جمله بارزش‌ترین اسناد این مجموعه است که فاقد جلد و مشخصات بوده و برگ‌های آن از هم جدا و یک‌روست. تعداد صفحه‌ها، ۱۹۷ برگ اما شماره ثبت‌شده ۱۸۱ برگ است که این اختلاف در تعداد صفحه‌ها ناشی از مفقود شدن صفحات ۷ تا ۲۰ است. زندگی‌نامه، با مختصری از احوال حاج مهدی ملک التجار، پدر حاج حسین، آغاز می‌شود و با شرح حال مفصلی از زندگی و فعالیت‌های پدرش، حاج کاظم ملک التجار، ادامه می‌یابد. متأسفانه صفحه‌های مفقود شده، مربوط به دوره مهمی از زندگی حاج کاظم در دوره مشروطه است و این موضوع سبب ایجاد ابهام‌هایی در این دوره زمانی برای این خاندان شده است. شرح حال حاج حسین، از صفحه ۹۳، با تاریخ تولد (یازده ربیع‌الاول ۱۲۸۸ قمری برابر با دهم خرداد ۱۲۵۰ خورشیدی) آغاز می‌شود و با خاطرات کودکی، خانوادگی، دوران تحصیل، سفرهایش به عتبات، مکه، اروپا و دوره زندگی‌اش در مشهد ادامه پیدا می‌کند و سپس با شرح ناتمام حوادث سال ۱۳۲۹ قمری (حدود هشت‌سالگی حاج حسین) در صفحه ۱۰۳ پایان می‌یابد. همچنین در این قسمت، حاج حسین آقا به شرح وضعیت و تاریخچه اماکن متبرکه حرم حضرت رضا^ع به نقل از مقاله «علی مؤتمن» در مجله نامه آستان قدس می‌پردازد که این قسمت نیز در صفحه ۱۸۱ ناتمام رها می‌شود.



حاج حسین در سطور ابتدایی زندگی‌نامه خود نوشته است: «پدر جدم مرحوم فردوس و ساده ملا و بعلی و پدر ایشان مرحوم حاج آقا بابا مجتهد تبریزی است و مرحوم حاج مجتهد در علوم غریبه زیر دست و صاحب مقامات عالی‌ه بوده، چنان که زلزله بزرگ آذربایجان را که در آن زلزله شهر تبریز زیر ویر شد و جهانی را که زلزله خراب کرد، قبلاً پیشگویی کرده بود و موقع روز و ساعت زلزله را به اهالی تبریز گوشزد کرده بود و به واسطه و شوق کاملی که اهالی تبریز به مرحوم حاج مجتهد، رضوان... علیه، داشته اند و خارج شدن از اینیه، یک تن از مردم تبریز زیر آوار نماند و همه جانی به سلامت از زلزله بیرون بردند.»

بر اساس آنچه در این زندگی‌نامه ذکر شده است، خاندان ملک‌التجار از دیرباز همواره دستی به‌خیر داشته‌اند. در این راستا حاج حسین در بخشی از زندگی‌نامه خود با اشاره به خشک‌سالی و قحطی سال ۱۲۵۰ خورشیدی نوشته است: «در سال ۱۲۸۸ قمری که خشک‌سالی و قحطی بوده، وضع مردم و بی‌لیاقتی عمال دولتی، مرحوم آقامهدی ملک جدم، را بسیار متأثر ساخته و برای رفع سختی از آزار اق مردم به خدمت ناصرالدین‌شاه رفته و به عرض رسانیده که عمال دولتی، مفید نیستند و حال مردم و کمیا بی‌ایانایی از آزار رایبان کرده و گفته است که بیشتر مردم از گرسنگی جان می‌دهند. ناصرالدین‌شاه می‌گوید: "اگر راست می‌گویی، این کار را اقدام کن" و امر تهیه آزار را به ایشان می‌سیارد. مرحوم ملک، تمام تجار را خواسته و از آن‌ها می‌خواهد که به هر قسم باشد از اطراف و اکناف مملکت به هر قیمت و به هر وسیله که ممکن است، غله خریده و به تهران برسانند... در ظرف کمتر از ۴۰ روز با فضل خداوند، نگرانی مردم رفع و مردم رفه الحال می‌گردند...» حاج حسین آقا، ناگشتن زندگی‌نامه خود را در آبهمن ۱۳۳۹ خورشیدی، زمانی که حدوداً ۹۰ سال سن داشته، شروع کرده و نوشتن آن را تا مدت‌ها، ادامه داده است. آخرین تاریخی که حاج حسین بر نوشته‌های خود گذاشته، سوم دی ماه ۱۳۴۰ خورشیدی است که در صفحه ۱۲۲ نوشته شده و در ۶۰ صفحه بعد، تاریخی درج نکرده است.



باغ اجتماعات مشهد

گذری بر پیشینه باغ ملی، نخستین موقوفه حاج حسین آقا ملک که جایی برای گردهمایی‌های مردم شهرمان بوده است



رنگینان-سعادت‌مند



بردن نام ملک برای مشهدی‌ها همیشه با یک خدا بیامری همراه است، خبر پدر حتمی که تماشای هر باره باغ و کیل آباد و باغ ملی به وقت نشستن زیر خنکای چتر سبز درختانش به دل آدم می‌اندازد. دست‌خبر حاج حسین ملک که برابر تقویم‌ها امروز پنجاهمین سال درگذشتش است، اما تنها به مشهد و خیابان‌هایش ختم نمی‌شود، او به عنوان بزرگ‌ترین واقف فرهنگی کشور، در شهرهای بسیاری، یادگارهایی بر جای گذاشته که کتابخانه و موزه ملک تهران، مجتمع آموزشی فرهنگی امام رضا^ع در چناران و بیمارستان سجاده پتربت جام، تنها بخشی از آن است. همین است که در سطرهای پیش‌رو نقبی زده‌ایم بر تاریخ نخستین وقف او در مشهد که روزگاری سالن‌هایش و تجمعات شهر نیز بوده است، وقفی به نام «باغ ملی» که علت این نام‌گذاری‌اش به درستی مشخص نیست اما اولین و قدیمی‌ترین پارک و فضای سبز در ارض اقدس است.

● باغ ملی چگونه پارک شد؟ پیراهن سبز درخت‌های سپیدارش، خنکای نسیم‌رها در گیسوی چمنش، سالن تئاتر و عطر زعفران برخاسته از کافه‌بستنی و صدای نرم‌موزیک، خاطره‌مشترک همه آن‌هایی است که باغ‌ملی را در یک شب تابستانی تجربه کرده‌اند. این باغ که اوایل قرن با مدرن‌ترین خیابان آن دوران یعنی ارگ پهلوه پهلوه‌بوده، باغی است که اگرچه هر سال بر طول عمرش اضافه می‌شود، به همان نسبت روز به روز آرفته و از وسعتش کاسته شده، آن چنان که از ۴ هکتار در سال ۱۳۰۹ خورشیدی به حدود ۲ هکتار در اکنون رسیده است. روایت است که پس از اهدای این باغ به‌بلدیه، هم‌زمان با طرح امتدادارگ، این محدوده نیز به پارک تبدیل می‌شود. جوادنوائیان رودسری در پژوهشی چنین توضیح داده است: «در سال ۱۲۹۳ خورشیدی، سنگ‌بنای میدان بزرگ‌ارگ، حدوداً در محل فعلی بانک ملی شعبه مرکزی مشهد، توسط موسیو لولو، مستشار بلژیکی اداره مالیه، گذاشته شد. او این محل را با سلیقه خودش مشجر کرد و هنوز هم می‌توان ردی از درختان سپیدار و صنوبری که او حدود ۱۰۶ سال قبل کاشته است، در این منطقه یافت، میدانی که به ابتکار «لولو» ساخته شد، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی دوباره مورد توجه قرار گرفت و اطراف آن را گلکاری کردند تا امتداد خیابان ارگ به آنجامنتی‌شود. پس از آن، نخستین سینماهای شهر مشهد ایجاد و باغ ملی، به‌یمنان تفریحی و تفرجگاهی خانوادگی مبدل شد.»

● نخستین سالن اجتماعات شهر

نام باغ ملی رانه تنهار اسناد و مکتوبات تاریخی و خاطرات مشهدی‌ها که در مطبوعات دوره پهلوی اول و دوم نیز می‌توان به فراوانی دید و این مسئله یک دلیل مهم دارد،

به گفته سیدمهدی سیدی، پژوهشگر و مشهدشناس، چگونگی واگذاری باغ ملی به‌بلدیه، این گونه است که شهرداری در سال ۱۳۰۹ خورشیدی (که ثبت املاک دایر شد) تقاضای ثبت باغ ملی به نام خود را کرد و در سال ۱۳۱۱ سند مزبور صادر شد. در ظاهر سال‌ها بعد، شهرداری معارضانی

باغ ملی در یک نگاه

باغ ملی در سال ۱۲۸۰ خورشیدی از سوی مظفرالدین‌شاه به حاج کاظم ملک‌التجار، اهدا شده است.

ایده ساخت باغ ملی در سال ۱۲۹۳ خورشیدی و توسط، موسیو لولو، بلژیکی، متصدی گمرک خراسان، مطرح شده است.

سپیدارهای باغ ملی پیش از سال ۱۲۹۳ خورشیدی توسط غلامحسین صاحب اختیار کاشته شد.

قدیمی‌ترین تفرجگاه مشهد است که در دوره پهلوی اول وقف عام می‌شود.

وسعت باغ ملی در ابتدا ۴ هزار متر مربع بوده که هم‌اکنون به ۲۶ هزار متر مربع کاهش یافته است.

بهای این باغ در سال ۱۳۵۰ خورشیدی ۲۰ میلیون تومان بوده است.

باغ ملی ۲۵ آبان ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

برای باغ ملی وقف نامه‌ای نیست

یافته است، در نتیجه از حاج حسین ملک تقاضا کرده اسناد مربوط به مالکیت آن را در اختیار شهرداری قرار دهد. حاج حسین ملک نیز چنین کرده و فرمان مظفرالدین‌شاه

که گویدار آن مراسمی برگزار شده بوده، چنین توصیف می‌کند: «الحق باغ‌نگوید، فردوس برین. تمام اشجار را به چراغ‌های الوان مزین نموده و پنج طاق نصرت در معبر و هرخیامی با بیرق شیر و خورشید زینت داده شده بود. میان باغ چادرپوش بسیار بزرگی افراشته بودند. جناب اجل، سالار مکرم با جمیع سرکردگان و صاحب منصبان نظامی لباس‌های رسمی پوشیده و دو دسته موزیکانچی در دو سمت خیابان ایستاده، افواج قشونی هم از سرباز و قزاق و پلیس با لباس آراسته و در جمع خیابان‌ها به ترتیب نظامی صف بسته بودند.»

● پیشکشی مظفرالدین‌شاه به حاج کاظم ملک‌التجار

اما این باغ که گویدار ابتدا ما یملک حکام خراسان و دولت مرکزی بوده، از کجابه حاج حسین ملک رسیده است؟ سندی وجود دارد که نشان می‌دهد باغ ملی پیشکشی مظفرالدین‌شاه به حاج کاظم ملک‌التجار، پدر حاج حسین ملک است که به این خاندان واگذار شده است. شاه همیشه بیمار در این فرمان، چنین سیاهه کرده است: «فرمان همایون شد آنکه چون جناب جلالت‌مآب فدوی زاده دولت گردون قیاب حاجی محمد کاظم ملک‌التجار ممالک محروسه، از قدیمی چاکران آستان معدلت ارکان است و همواره رعایت حالش منظور نظر اکسیراثر، لهذا یک قطعه باغ واقع در مشهد را که متعلق است به دیوان همایون‌اعلی و محدود است به حدوداً ربعه ذیل: حدی به باغ حاجی معتمد التولیه، حدی به حصار باروی شهر، حدی به ممرعام میدان بزرگ‌ارگ و حدی به خندق بزرگ، به ملکیت ابدی به مشارالیه مرحمت فرمودیم، که ملک طلق خود دانسته، در وقف و حبس و انتقال و سایر عقود شرعیه مختار باشد. در تاریخ ذی‌حجه الحرام بارس‌ئیل سنه ۱۳۱۹.»

● محدوده باغ ملی در اوایل قرن

برابر گزارش جامع سال ۱۳۱۲ خورشیدی به قلم مدرس رضوی، علی‌اکبر فیاض، محمودفرخ و عبدالحمید مولوی در کتاب «مشهد به گزارش مکتب‌شاپور»، آمده، باغ ملی که حدودش در دوره پهلوی اول، کنار خیابان ارگ است، دارای تماشاخانه، سالن تئاتر و یک کافه بستنی فروشی به نام کافه اتحاد بوده که گویا نخستین کافه موزیکال شهر بوده است.

این افراد، در ادامه، نشانی دقیق باغ ملی را بر اساس نقشه آن زمان مشهد نوشته و آن را، این گونه توصیف کرده‌اند: «باغ ملی در ضلع غربی خیابان پهلوی جنب کلوپ صاحب منصبان واقع است. سطحش تقریباً به شکل

نامه‌ای به تاریخ ۲۰ فروردین به استاندار می‌نویسد و مراتب را گزارش می‌کند.

استاندار نیز موافقت خود را ضمن تشکر از آقای ملک اعلام می‌کند. به این سبب در سال ۱۳۴۰ لوحی سنگی به ابعاد تقریبی ۶۰ در ۸۰ سانتی‌متر تهیه و مداخل باغ ملی نصب می‌شود.

فرمان مظفرالدین‌شاه برای واگذاری باغ ملی به حاج کاظم ملک‌التجار، آبان ۱۳۸۴

منبع: کتاب مشهد به روایت مکتب‌شاپور و پژوهش سیدمهدی سیدی درباره حاج حسین ملک، اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی و کتاب اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجر و پهلوی به کوشش سیدمهدی سیدقطبی و پژوهش دکتر زهرا طلائی

باسپاس از: راحله یگانه، کافوم جهلگیری کلاته و محمد مهدی مرتضوی فر در مرکز اسناد آستان قدس رضوی



اهدای زمین به کارکنان اداره اقتصاد ملی ایران به وسعت ۱۲۰ هزار متر مربع کارکنان اداره اقتصاد ملی	اهدای زمین به فرهنگیان مشهد برای ساخت خانه در دونویت یک‌بار ۲۰۰ هکتار و مرتبه دوم ۷۲ هکتار فرهنگیان مشهد	اهدای زمین به وسعت ۲۰۰ هزار متر مربع به کارکنان اداره پست و تلگراف کارکنان اداره پست	تجدید بنای شیرخوارگاه کودکان بی سرپرست در مشهد بنای شیرخوارگاه	اهدای زمین زندان مشهد به وسعت ۱۵۰ هزار متر مربع زمین زندان مشهد	با ۴۰ هزار متر مربع باغ ملی	با یک میلیون ۹۹۲ هزار متر مربع باغ وکیل آباد
---	--	--	--	---	---	--